|  |
| --- |
| مجموعه ی فرهنگی وتفریحی شیراز با رویکرد احیاء بافت زندیه**محسن شرائین 1، سوگل شمتوب 2** 1- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی ،واحد مرودشت،گروه معماری،مرودشت ،ایران  2- سوگل شمتوب، استادیار و دکتری معماری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران |
| Cultural and recreational complex of shiraz with Zandieh Texture Restoration ApproachMohsen Sharaien 1, Shemtoub Sogol 2 1. M.sc student ,Islamic Azad university,Marvdasht Branch,architecture group,marvdasht,Iran Shemtoub
2. .Shemtoub Sogol, Assistant professor and Ph.D. in Architecture, Young Researchers and Elite Club, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran
 |
|  |
| mohsensharaien@gmail.com E-mail: |
| **چکیده:**  |  |

احیاء بافت تاریخی بازگرداندن به حالت ذاتي و اصيل اوليه و دستيابي مجدد به كليت­هاي خدشه­دار شده و بازتوليد بخش­هاي از ميان رفته صورت مي­گيرد،ویکی از اتفاقاتی که می تواند موجب احیای تاریخ فرهنگ منطقه باشد. با فرض اینکه ایجاد فضاهای جمعی می تواند باعث احیاء بافت تاریخی وزنده کردن فرهنگ بومی شیراز گردد،به نظر می رسد مجموعه فرهنگی وتفریحی به صورت کلی با توجه به وضعیت بافتی و فرهنگی اتفاقات موجود در بافت مرکزی شهر، نیازهای متفاوتی در زمینه معماری دارد. هدف از این تحقیق لزوم توجه به بافت تاریخی از طریق ایجاد مجموعه ی فرهنگی وتفریحی است، که در آن بتوان به ­احیای بافت تاریخی زندیه که،هسته ی اصلی شهرشیرازرا تشکیل می دهد کمک نمود.بافت تاریخی زندیه درنابرابری میان خدمات عرضه شده توسط بافت و نیازهای امروزنمود می یابد.احیا مستلزم سازگار کردن این نابرابری است و با حفظ بافت باارزش زندیه به رفع مشکلات وبحرانهای هویتی پرداخت.در تحقیق از روش کتابخانه­ای جهت جمع آوری اسناد ومدارک ­، مقایسه­ای-کیفی جهت راهکارههای احیاء ­و روش میدانی جهت بیان واقعیت­ها­ استفاده­کرد.

**واژه­هاي کليدي**

احیاء بافت زندیه،مجموعه فرهنگی تفریحی،شیراز

**Abstract** (

The restoration of the historical context of return to original,inherent state to the restoration of damaged totalities and the reproduction of lost parts is done, one of the events that could revitalize the history of regional culture. Assuming the creation of communal spaces can revitalize the historical texture of Shiraz's native culture, it seems that the cultural and recreational complex as a whole has different architectural needs depending on the context and cultural status of the events in the central context of the city. The purpose of this research is to pay attention to the historical context through the creation of a cultural and recreational complex, which can help revitalize the historical context of Zandieh, which forms the core of the city of Shineeds.The historical context of Zandiyeh is reflected in the disparity between the services provided by the context and today's needs.Revitalization requires adapting this inequality, and by preserving the valuable Zandieh context we can resolve problems and identity crises. The research uses a library-based approach to collect document, qualitative-comparative method to resuscitation strategies, and a field method to express the facts.

**Keywords:** Restoration of Zandieh Texture, Cultural and Recreational Complex, Shiraz

**1- مقدمه**

بناهای تاریخی هرکشور در حکم بخشی ازشناسنامۀ فرهنگی آن است.بناهای تاریخی هر کشور بخشی از شناسنامۀ فرهنگ وکارنامه مردمی است که در آن زندگی می­کرده اند،هرچند برگهای زرین این دفتر پر ارج پراکنده است، اما ازهمین پراکنده­ها چیزهایی می­توان گرد آورده که در هیچ دیوان پرداخته ای نیامده است(پیرنیا،1392).

سیر تحول بافت وگسترش فضاهای باارزش،در میان شهر های کهن ایران ،نمونه های بسیاری می توان یافت که در مسیر دگرگونی تاریخی ،از قانون مندی های خاص برای انسجام کالبدی وعمل کردن شهر تبعیت نموده اند شهر شیراز در میان شهرهای ایران دارای اعتبار وهویت ویژه است.این محدوده در نظام فضایی شهر جایگاه ویژه دارد ودر محل تلاقی راه های اصلی منطقه ای وتجاری شکل گرفته است .بارشد تدریجی وتوسعه محله های مسکونی به مرور زمان بافت تاریخی در شهر موقعیتی پیدا نمود که می تواند معرف نقش واهمیت قابلیت های آن به کل شهر باشد.

**2- بیان مسئله**

تا قبل از جریان جهانی ناشی از انقلاب صنعتی تغییرات جوامع بشري نامحسوس بوده و به تبع آن کالبد شهرها نیز با دگرگونی قابل توجهی مواجه نبود(حبیبی وهمکاران،1386). در ایران پس ازروي کار آمدن رضاخان فرآیند شهرنشینی حرکت خود را بسوي یک رشد سریع و انفجاري شروع کرد.بافت قدیمی شهرها که شالوده مدنی وتشکیلاتی خود را تا شروع شهرسازي هاي دوره جدید حفظ کرده بودند. با شروع فعالیتهاي جدید متحول شده وتغییر شکل ونقش ظاهري ودرونی شدیدي را متحمل شدند.آنچه که در وحله اول موجب از هم پاشیدگی بافت قدیمی شهرها شده ورود اتومبیل وبه ناچارخیابان کشیهایی براي ایجاده شبکه هاي ارتباطی به منظورتسهیل دررفت وآمد آن بود.اگرچه وروداتومبیل به بافتهاي قدیمی امري الزامی می نمود.اما فرصتی براي انطباق باشرایط جدید،به بافتهاي قدیمی داده نشد.خیابان کشیهاي سریع ،ناهماهنگ وبدون مطالعه وهمچنین ورود غافل گیر کننده اتومبیل،ارتباط فضاي وپیوسته این بافتها راکه طی سالهاي متمادي وبراساس ارتباطات اجتماعی واقتصادي شهروندان شکل گرفته بود از هم پاشید وباعث شد تا بافتهاي قدیمی خصوصیات وکارکردهاي قدیمی خود را ازدست بدهند)مشهدي زاده،1385).

ارزشهاي فرهنگی و مدنی محلات قدیم محدود به ابنیه هاي تاریخی نیست، بلکه بافت نیز به عنوان شبکه پیچیده روابط کالبدي به یادگار مانده از نسلهاي پیشین،داراي ارزش است ومی باید مورداحترام وتوجه قرار گیرد.چنانچه هیچگونه ابنیه ارزشمندي نیز دربافت نباشد،حق نداریم طراحی دربافت قدیم شهرهاي تاریخی را با طراحی روي کاغذ سفید اشتباه بگیریم.این بی توجهی و بدتر از آن دهن کجی به تاریخ است(ملکی،1382)­.علی رغم وجود شهرهاي تاریخی متعدد وبافت هاي کهن وبا ارزش در این شهرها نگرش منسجم ومتد خاصی درباره ي مشکلات این شهرها با توجه به ویژگی آنها در ایران پدید نیامده است.تخریب های انجام شده در بافت با نام یک فاجعه از آن یاد می شود(فلامکی،1389).

در معماری پایدار باید به مردم مجال بروز قابلیت های کامل خود را داد تا خودشان را دریابند و در ارتباط با دیگران به درک عالی از بشریت برسند و به این ترتیب ارتباط خود با گذشته و آینده را بازیابند. توجه به این مسئله در طراحی در بالا بردن احساس مکان در هر شخصی که در آن واقع شود موثر بوده ونقش دارد. (صیادی،74:1384)با روندی روز افزونی که شهرداری ها برای پیش برد اهداف خود و حل کردن معضلات اجتماعی برنامه کار گرفته اند به نظر می رسد به جای فضای های مختص تجاری دیگر فضا ها در بافت کمکی به پیوستگی و برجسته کردن منطقه تاریخی زندیه می شود. محور اصلی وهدف از این پژوهش، مجموعه ی فرهنگی وتفریحی شیراز با رویکرد احیاء بافت زندیه می­باشد که مولفه­های کالبدی مختلفی را در بر می­گیرد.

اصولاً بافت قديمي و تاریخی بافتي مي­باشد كه در فرايند زماني طولاني شكل و تكوين يافته و امروزه در محاصره تكنولوژي عصر حاضر گرفتار گرديده است، چنان­چه اين بافت در گذشته به اقتضاي زمان داراي عملكردهاي منطقي و سلسله­مراتبي بوده ولي امروز از لحاظ ساختاري و عملكردي دچار كمبودهايي شده و آن­گونه كه بايد و شايد نمي­تواند جواب­گوي نياز ساكنان خود باشد. البته اين را نيز نبايد از نظر دور داشت كه موقعيت خاص مناطق در گذشته، اعتقادات، باورها، سنت­ها و مسائل مربوط به دفاع و امنيت و خصوصاً اقتصاد باعث شكل­گيري چنين بافت­هايي در شهرها گرديده است كه امروزه با تغيير كاركردها و تغيير نگرش­ها لزوم رسيدگي به اين بافت­ها و ساماندهي آن احساس مي­گردد. چرا که اعتقاد بر اين است، شهرهاي امروزي بدون وجود بافت­هاي کهن بي­هويت­اند. اگر محله­ها، گذرها، بازارها، بازشناسي و احيا نشوند و زندگي در آن جريان نيابد شاهد مرگ تنها شاهدان تاريخ اين کشور خواهيم بود. (حناچی، 1382: 22)

دربهسازی بسیاری از فضاهای شهری موجود قربانی پاسخگویی به مسائل کمی ویا فعالیت تک بعدی آنها می شود،که این مساله خودمعلول نگرش برنامه ریزی عقب مانده نسبت به آنهاست.حتی در بسیاری از طرح های نوسازی نیز که ازنظر مشکل مدعی خلق فضاهای شهری هستند،مشکلات فوق به دلیل مذکور به شدت به چشم می آیند(پاکزاد،1395).

حیات و ممات هر جامعه در گرو حیات و ممات فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ و ادب هر جامعه مشتمل بر فرهنگ رسمی و فرهنگ و ادبیات عامه است. فرهنگ عامه از دسته اموری است که هر کس به آسانی آن را احساس می کند ولی به وقت نیاز، نمی تواند تعریف دقیق و روشنی از آن ارائه دهد.این بخش از فرهنگ که مشتمل بر ارزش ها، باورها، رفتارها، آرزوها و امیدهای یک ملت است، مجموعه ای عظیم از تجربیات و تفکرات یک ملت است که طی قرون متمادی صیقل یافته و اینک به عنوان پشتوانه ای گرانقدر به دست ما رسیده و چناچه بگوییم بدون تکیه و بهره گیری از فرهنگ عامه هیچ یک از ما قادر به زندگی نیستیم، سخنی به گزاف نگفته ایم چرا که: قسمت اعظم محتویات ذهنی افراد مانند باورها، ارزش ها و داوری ها در این حوزه جای میگیرد که تجلیات آن را می توان در قصه ها، ترانه ها، متل ها و مثل ها، لالایی ها و چیستان ها و... مشاهده کرد. بخش بزرگی از تدابیر آدمی جهت رفع نیازهای اولیه خود مانند:تهیه مسکن، خوراک و پوشاک نیز در این حوزه است، قسمت مهمی از رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مانند مراسم تولد، ازدواج، مرگ، تعارفات و آداب مهمان نوازی در این حوزه نهفته است. بخش ارزشمندی از تفریحات و تفننات ذوقی بشر همچون بازی های سنتی، آواز و موسیقی، نوواها و نغمه های محلی، هنرهای دستی و ....مربوط به این حوزه فرهنگی است. (فصلنامه فرهنگ مردم ایران و جهان،شماره4:1)

هدف از این تحقیق ­لزوم توجه به بافت تاریخی از طریق ایجادیک مجموعه فرهنگی وتفریحی که درآن بتوان با حفظ بافت باارزش زندیه به رفع مشکلات و...پرداخت.طراحی معماری مجموعه فرهنگی وتفریحی وابسته به عناصر همچون: ، فرهنگ ،عوامل محیطی ، عوامل کالبدی و شرایط اجتماعی وزیباشناسی می­باشد. عوامل محیطی شیراز که ناشی از اقلیم، می­باشد که در شکل گیری بافت نقش بسزایی دارند. در تعریف مجموعه ی فرهنگی وتفریحی مفهوم کلی از این فضا ارئه مراکز مهم و ترکیبی از فرهنگی تفریحی با توجه به نیاز مجموعه با ترکیب با سایت فضاهای شهری و... است،که این مجموعه را ازسایر مجموعه های دیگر متمایز می­کند (صیادی 1391).

**2- اهمیت و ضرورت تحقیق**

با وجود ظرفیت های منحصر به فرد در بحث تفریح و بافت فرهنگی و تاریخی که نقش کلیدی در توسعه بافت دارد،و توجه به رشد سريع شهر نشيني در ايران و حاد شدن زيست محيطي، اجتماعي و رواني شهروندان ، فرد چه به نحو مثبت ودر راستای ارزش های اجتماع وفرهنگ وچه به نحو منفی ودر ضدیت با این رفتار کند رفتار او پیوسته معلول علتی اجتماعی یا فرهنگی است که موضوع برنامه ريزي و طراحي براي گذران فراغت و توسعه فضاهاي تفريحي و فرهنگی به يك ضرورت اجتماعي و مديريتي تبديل شده است. توجه به ضرورت احیای بافت تاریخی که می تواند موجب احیای فرهنگ بومی منطقه باشد. باایجاد مرکزفرهنگی وتفریحی باعث رونق منطقه می­شوند (پاکزاد،1389).

با در نظر گرفتن مفهوم فضاهاي تفريحي و فرهنگی مي‌توان دلايل توسعه بافت های تاریخی را به صورت زير خلاصه كرد :

- نیاز فزاینده کشور و شیراز به فضاهای تفریحی- فرهنگی، با توجه به استقبال شدید مردم از این مناطق در دهه های اخیرو لوازم پاسخگویی به این نیازها

 - تهيه طرحهاي گردشگري در مقياس شهري كه مي‌تواند اثرات مطلوبي براي جامعه داشته باشد.

 نتايج طرح در چند زمينه زير قابل پيش بيني است :

 حفاظت از محيط زيست و ايمن سازي پهنه هاي آسيب پذير بافت -

 - تأمين نيازهاي تفريحي و رفاهي

- افزايش مناسبات و مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی

- کمک به برقراری تفاهم، همبستگی

این پژوهش با توجه به استفاده قشر عظیمی از جامعه همچون مردم ، گردشگران و.... در درجه نسبتا خوبی قرار دارد که میتواند باعث ایجاد اشتغال، درامدزایی و... گردد که ضرورت طرح را تبیین می­کند. با توجه به فرهنگ غنی شیراز در طول زمان و همچنین لزوم ایجاد یک مجموعه ی فرهنگی وتفریحی جهت احیا این فرهنگ بومی به چشم میخورد.

**3- اهداف تحقیق**

اهداف عملکردی

تلاش درایجاد وحدت بین فضاهای تاریخی وجدید مجموعه فرهنگی وتفریحی وهم­چنین دمیدن روح مجددبه بنا از طرفی و کشف زوایای پنهان نیارشی بناهای تاریخی و جلوگیری از تخریب آثار ارزشمند حین بازسازی یا به هر دلیل دیگر، منجر به ادامه مطالعات شده است. دست­یابی به شاخص­هاي موردنیاز و مطلوب جهت تهیه طرح­هاي معماري متناسب با مجموعه برپایه اصول علمی و فنی و شهرسازی امکان­پذیر خواهد بود. با روندروز افزونی که شهرداری ها برای پیش برد اهداف خود و حل کردن معضلات اجتماعی برنامه کار گرفته اند به نظر می رسد به جای فضای های مختص تجاری دیگر فضا ها در بافت کمکی به پیوستگی و برجسته کردن منطقه تاریخی زندیه می شود.جنبه­های متنوعی که در اهمیت احیاء و باز زنده­سازی بافت زندیه وجود دارد که می­توان به این ترتیب دسته­بندی کرد.

آنچه براساس ضروت تحقیق وسوالات کلیدی طرح شده در خصوص آن،به عنوان اهداف این تحقیق مطرح می شود به شرح زیر است:

شناسایی عوامل موثر در طراحی مرکز فرهنگی وتفریحی

شناسایی عوامل موثر براحیای بافت تاریخی زندیه

1-4-2 شناخت عناصر فرهنگی

تجزیه و تحلیل وضعیت موجود عملکردی سایت و ارتباط و تعاملات آن با عملکردهای همجوار و شاخص منطقه

طراحی وارتقاء سطح کیفی و کمی عملکرد سایت موجود در نسبت به قابلیت ها و محدودیت های آن و تعامل با سایر فضاها و عملکرد های تفریحی، فرهنگی

پاسخگویی به نیازهای تفریحی و فرهنگی در سطح شهر از طریق استقرار عملکردهای مورد نیاز در مقیاس مناسب

1-4-3 اهداف اجتماعی-فرهنگی

هدف کلان اجتماعی، فرهنگی این پژوهش تعریف نظام بهینه اجتماعی، فرهنگی متناسب با منطقه و سایت پروژه، نسبت به ساختار جمعیتی بهره برداران از مجموعه تفریحی وفرهنگی و کاهش ناهنجاریها و ارتقاء هنجارهای اجتماعی می باشد.

بررسی و تحلیل نظام اجتماعی، فرهنگی حاکم بر منطقه طرح و سطوح متعامل با سایت پروژه در وضع موجود

پاسخگویی به نیازهای تفریحی،فرهنگی و مراجعان جهت بازیابی قوای ذهنی و روحی

ایجاد زمینه های اجتماعی و فرهنگی لازم به منظور جلوگیری از تخریب بافت از طریق بسط و توسعه فرهنگ حفاظت و صیانت از محیط (مشاورین شهر و محیط باستان،1389)

**4-** ***مسئله اصلی تحقیق***

مسئله اصلی تحقیق

بر همین اساس،یافتن روش هایی که در آن با استفاده از احیاء بافت تاریخی زندیه بتوان به یک طرح معماری به منظور ایجاد یک مجموعه­ی فرهنگی وتفریحی دست یافت مسئله اصلی این پژوهش به شمار می رود.

**5- فرضیه**

1- به نظر میرسد عوامل معماری، عوامل محیطی، عوامل کالبدی و فرهنگ در طراحی معماری مجموعه فرهنگی وتفریحی تاثیر می گذارد.

**6-فرهنگ و گردشگری**

تمایل به شناخت پدیده ها و کسب آگاهی از ناشناخته ها از خصایص اصلی است که انسان از دیر باز به وجود آن در نهاد و فطرت خود پی برده است. نمود این خصیصه در بسیاری از رفتار ها و اندیشه های بشر قابل مشاهد است؛ از جمله سیر و سفر، تحرک و جابجایی برای دیدن، شنیدن و احساس کردن آنچه قبلا تجربه نکرده یا به آن علاقمند نبوده ایم. این خصیصه رفتاری بشر مانند سایر خصلت های رفتاری او، ماهیتی فرهنگی دارد؛ به این معنی که انگیزه ها، اهداف و رفتار گردشگران و میزبانان با توجه به فرهنگی که به آن تعلق دارند، از جامعه ای به جامعه ی دیگر متفاوت است. به بیان دیگر، گردشری پاسخی به نیاز فطرت جستجو گر انسان به کشف اسرار زندگی گذشتگان، آشنایی با فرهنگ ملل دیگر و گریز از یکنواختی محیط کار و زندگی معمولی است؛ از این رو فعالیتی فرهنگی است. گردشگری با انسان و انگیزه ها، خواسته ها و نیازها و آرزوهای او-که منبعث از فرهنگ جامعه است- ارتباط دارد، به حدی که می توان گفت محرک اصلی گردشگری، در واقع همین اختلاف فرهنگ هاست(ضرغام،391:1376)

در عـصر حاضر، رابطه اي دو جانبه بين فرهنگ و گردشگري به وجود آمده اسـت . فرهنـگ منبعـي حيـاتي بـراي توسـعه گردشگري محسوب مي شود و گردشگري نيز سهم مهمي در توسعه فرهنگي دارد(ریچارد[[1]](#footnote-1)،9:2000) گردشگري يك پديده فراگير اجتماعي است كه با معرفي نظام جديدي از روابط در تمام فعاليت ها، باعث تغييرات در سطوح مختلف زندگي اجتماعي در جهـان مـي شـود(لنفنت،34:1980). همچنـين فرصـتهايي بـراي تغيـر فرهنگي ايجاد مي كند، به گونه اي كه تغييرات فرهنگ محلي نشان دهنده قدرت گردشـگري در جوامـع معاصـراست(چانگ و یو[[2]](#footnote-2)،102:1999).

گردشگري فرهنگي

گردشگری فرهنگی بخش مهمي از تقاضاي جهاني گردشگري را تشكيل مي دهد. طبق آمار سـازمان جهـاني گردشگري فرهنگي گردشگري 37 درصد گردشگري بين الملل با انگيزه فرهنگي انجام مي شود و اين تقاضا سالانه در حال افـزايش به عنوان عناصر گردشگري نوين، توجه سياست گـذاران محققان را در سراسر دنيا به خود جلب كرده است، به طوري كه امـروزه در ادبيـات گردشـگري مطالـب زيـادي درباره گردشگري فرهنگي به چشم ميخورد(ریچارد،9:2000).

"گردشگري فرهنگي عبارت است از مسافرت افراد از محل سكونت خود به مكانهايي كه جاذبـه هـاي فرهنگـي دارند. اين جابجاي به قصد كسب اطلاعات براي ارضاي نيازهاي فرهنگي گردشگران انجام می شود". بر اساس اين تعريف، گردشگري فرهنگي شامل همه ديدارها از جاذبه هاي فرهنگي از جمله موزه ها، مقبـره هـاي تاريخي، كاركردهاي فرهنگي و ساير جلوه هاي فرهنگي مي شود. اين نوع گردشـگري در سـال هاي اخيـر ازمنـابع فرهنگي سخت ماننـد ابنيـه تـاريخي بـه منـابع فرهنگـي نـرم ماننـد كاركردهـاي فرهنگـي تغييـر جهـت داده است. گردشگري ميراث بطور گسترده اي با ميراث فرهنگي گذشته يا منابع فرهنگي سخت ارتباط دارد مي‌توان به جدول 1 رجوع كرد.(کاظمی،154:1392).

**جدول 1: ویژگی های گردشگری فرهنگی و فرهنگ و گردشگری** **، منبع: نگارنده**

|  |  |
| --- | --- |
| فرهنگ و گردشگری | گردشگری فرهنگی |
| - سیروسفر و جابجایی برای لمس کردن چیزی که قبلا تجربه نکرده بودند.- گردشگری پاسخی ه نیاز جستجوگر انسان در کشف زندگی گذشتگان و فرهنگ ملل است.- محرک اصلی این نوع گردشگری اختلاف فرهنگ هاست- وجود رابطه دو جانبه بین فرهنگ و گردشگری | - سفر به مکان هایی که جاذبه فرهنگی دارند- گردشگری پاسخی است به نیازهای فرهنگی گردشگران- محرک اصلی دیدار از جاذبه های فرهنگی نظیر موزه، مقبره های تاریخی و... است.- انتقال گردشگری از منابع سخت نظیر بناهای تاریخی به بناهای نرم نظیر عملکردهای فرهنگ |

**ویژگی­های فرهنگ**

فرهنگ شامل زندگی جمعی و ارزش­های موجود در حیات یک ملت است. مجموعه­ای از سنت­های زنده و تاریخی و اعتقادات است. مسلم است که در مرحله نخست، ارزش­ها هستند که جوهر فرهنگ را تشکیل می­دهند و ما را به درک بهتر شیوه رفتاری هدایت می­کنند.

عناصر فرهنگ

فرهنگ دارای سه عنصر مهم است که عبارتند از: عناصر عمومی، عناصر تخصصی و عناصر اختراعی یا ابداعی.

- راه یا راه­های مشترک زندگی مردم، طرز تهیه غذا، راه تهیه لباس، طرز تکلم و جزء عناصر عمومی فرهنگ یک جامعه قلمداد می­شوند و همه در معرض تغییر هستند.

- تأمین اجتماعات جامعه موثر می­باشند و از جهات مختلف تغییر می­کنند.

- عناصر ابداعی یا اختراعی که فقط در میان محدودی از افراد یک جامعه پیدا می­شوند و در معرض تغییر هم قرار می­گیرند.

**7-عوامل انتقال فرهنگی**

جوامع مختلف بر اثر تماس­هایی که با هم دارند، از فرهنگ یکدیگر متأثر می­شوند، این تأثیر را انتقال فرهنگی می­گویند. بطور کلی هرگونه شرایطی که در آن، تماس بین دو نفر یا دو گروه یا دو فرهنگ متفاوت صورت بگیرد می­تواند بر فرایند انتقال فرهنگی دلالت داشته باشد. فرآیند انتقال فرهنگی می­تواند از طریق عوامل و راه­های ویژه­ای رخ دهد؛ مانند مهاجرت، جنگ­ها، برخوردهای نظامی و مخصوصاً وسائل ارتباط جمعی، هم­چون آثار چاپی و تصویری می­باشد.

**1-7 فرهنگ به عنوان یک نیاز ضروری جامعه**

فرهنگ و ارتباط

ارتباطات عبارت از تبادل نظر بین مردم است. به هر حال این تبادل ارتباطات به­ندرت متعادل است. مردم با کلمات یا روش­های غیرکلامی ارتباط برقرار می­کنند. روند ارتباطات، روندی است که به تأثیر منتهی می­شود.

ارتباطات یعنی فرهنگ

ارتباطات در بین مردمی که دارای زمینه­های مشترک (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) دانش، تجربه زبان و سبک­های ارتباطی مشترک هستند، آسان­تر صورت می­پذیرد. ارتباطات محصول فرهنگ، و فرهنگ مشخص­کننده رمز، ساختار، فضا و زمینه ارتباطی است که صورت می­گیرد. هیچ فرهنگی بدون ارتباطات قادر به بقا نیست.

**تاثیر فرهنگ در شکل­گیری فضای معماری**

«دوام فرم­ها متناسب با دوام نحوه زندگی ماست. در پروسه تغییر، عملکرد زودتر از شکل تغییر می­کند و حتی تا مدت­ها عملکرد جدید با شکل­های آشنا و مألوف قدیمی کنار می­آید. همیشه بکار بردن نمادهای گذشته در کارهای فعلی، ابتدای کار است. تحول و توسعه مفاهیم باعث بوجود آمدن شکل­ها و فرم­های نو خواهد شد اما سیر این نوآوری به سبب همان توجه دائمی به استعدادها و ذخایر فرهنگی مسیر خاصی است.

در این جستار، داراب دیبا مفاهیم بنیادی معماری ایران را این­گونه توصیف می­کند

1-­درون گرایی: وجود فضا در باطن و پوسته ظاهری، پوششی مجازی است.

2-­مرکزیت: سیر تحول عناصر پراکنده (کثرت) به وحدت مرکزی.

3-­انعکاس: خط حرکت عمودی در فضاهای باز بطرف آسمان و انعکاس بعنوان نتیجه بصری.

4-­پیوند معماری با طبیعت: سلسله مراتب و مفصل­ها در عبور از فضاهای باز، نیمه باز و بسته

5-­هندسه: جدایی­ناپذیری هنر (حس) و علم (عقل).

6-­شفافیت وتداوم: نقطه مقابل مفهوم فضای بسته وتمام شده.

7-­راز و ابهام: احساس عظمت معنوی در کمال سادگی و خلوص. راز و ابهام در برابرکاربرد، تفکر مجدد.

8-­تعادل موزون/ توازن حساس: تعادل موزون بین ساختمان و محیط طبیعی.

9-­چشم دل: درک معنای باطنی همراه با معنای ظاهری و حسی.

**درون‌گرایی:**

یكی از باورهای مردم ایران زندگی شخصی و حرمت آن بوده كه این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. معماران ایرانی با سامان‌دهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یك یا چند میان‌سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا می‌كردند و تنها یك هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه­های مسلمانان بر دو پایه­ی اساسی احترام گذاشتن به انسان و فضا استوار است. که فضا شامل: فضای عینی و فضای ذهنی است.

قبل از هرچیز می­بایست ویژگی­های یک خانه درون­گرا را معرفی کرد. این ویژگی­ها به اختصار عبارتند از:

نداشتن ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضای شهری بیرون خود.

فضاهای مختلف آن را عنصری مانند حیاط و یا صفه­های سرپوشیده سازماندهی کرده است به نحوی که روزن ها و بازشوها به طرف این عناصر باز شوند.

فضاهای ورودی بناهای درون­گرا دارای دو نما هستند. نخست نمایی که از بیرون دیده می­شود و دوم نمایی که از درون مشاهده می­گردد(دیبا،1385).

**حس خلوت­گزینی و امنیت (بعد انسانی):**

استفاده از فضای محصور در گذشته ترکیب حجمی.. مدولاسیون.. دکوراسیون داخلی در معماری معاصر حسی که از طریق فضاهای محصور ایجاد می­شود.

محرمیت:

بررسی محرمیت از دو بعد دیداری (بصری) و شنیداری(سمعی) می­باشد. از لحاظ دیداری به
بهینه­سازی دو عنصر طراحی شامل محل و نقشه بررسی شده است:

**طرح حریم خصوصی:**

از لحاظ فلسفه­ی اسلامی عرصه عمومی تاکید بر روابط قوی با خویشاوندان و همسایگان می­کند. عرصه­ی خصوصی تاکید بر حرمت حریم خصوصی خانواده دارد. سیستم گردش انتقالی برای جلوگیری از دسترسی بصری بین مهمانان و زنان خانواده و جلوگیری از اختلاط مردان و زنان است و با توجه به این عرصه­بندی­­ها فضاهایی که ایجاد می­شد دارای تناسبات، اندازه فضاها با توجه به کاربری­ها متفاوت می­باشند (مردم واری).

**محرمیت صوتی:**

از لحاظ محرمیت صوتی در گذشته عناصر داخل خانه (دیوار. پشت بام. کف طبقات) را طوری
می­ساختند که مانع صدای زنان به بیرون خانه شود و از مصالحی مثل سنگ و خشت گلی و مصالح متراکم  استفاده می­کردند که باعث ایجاد پوشش صوتی می­شد. (مصالح بومی) (خود بسندگی). هم­چنین برای جلوگیری از استراق سمع در طراحی­ها فضاهایی مانند اندرونی و بیرونی که از طریق راه ارتباطی به هم وصل می­شدند (حیاط و راهرو) جهت پوشش صوتی در نظر گرفته شد(پیرنیا،1392).

**8-هنر بعنوان یکی از ارکان ساخت فرهنگی**

واژگانی که ما آن­ها را بیان داوری زیبایی شناسانه می­خوانیم نقشی بسیار تعیین­کننده­ای را داراست. آن­چه ما امروز ذوق فرهنگی می­خوانیم شاید در سده­ای میانه وجود نداشت بازی یکسر متفاوتی در روزگاران متفاوت اجرا می­شود آن­چه به یک بازی زمانی تعلق دارد کل یک فرهنگ است. توصیف رشته­ای از قاعده­های زیبایی شناسانه به معنای فرهنگ یک دوران است.دکتر علی شریعتی مخاطب هنر را همه انسان­ها می­داند و هنر را مقوله­ای دینی و انسانی برمی­شمارد، هنر یک (مقوله) دینی است و یک حقیقت متعالی و مقدس است که نجات­بخش بشریت است و هم­چنین یک رسالت ما فوق مادی و متعالی و صددرصد انسانی دارد. امروزه این حقیقت که امور هنری، شاخص­ترین، موثرترین و پایدارترین شکل فعالیت­های فرهنگی است. به تردید ذهن هر خردمندی نفوذ و عمق یک پیام اخلاقی انسانی که توسط یک قالب هنری مثل نمایش فیلم و با صورت­های دیگر هنری عرضه می­شود را به مراتب وسیع­تر از ارائه آن پیام درید قالب دیگر ارزیابی خواهد کرد.

**9- بافت تاریخی**

چنانچه به هزار و یک دلیل تمایل به حفاظت از محله های تاریخی شهری وجود داشته باشد چگونه باید به احیای آنها پرداخت؟تحقیقات و مشاهدات مربوط به آزمایش های احیای محله های تاریخی شهر ها،هسته ی اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد.فرسودگی ساختمانها و محله ها در نابرابری میان«خدمات عرضه شده توسط بافت و نیازهای امروز»نمود می یابد.احیا مستلزم سازگار کردن این نابرابری است،ممکن است ریشه ی این نابرابری در بافت فیزیکی یا فعالیت های اقتصادی درون بافت نهفته باشد.بافت را می توان به بازآرایی و تبدیل،یا حتی تخریب و نوسازی اشاره کرد.نوسازی از بعد فعالیت اقتصادی می تواند از طریق تغییر کاربری یا ایجاد فعالیت های جایگزین صورت پذیرد(ساریخانی،1388).

- به­سازي: هدف كلي مداخله در به­سازي عبارت از بهبود بخشيدن به وضعيت بافت و عناصر دروني آن است كه طيفي از اقدامات زير را شامل مي­شود.

الف حمايت: هدف جلب توجه و مشاركت براي حفظ شرايط بافت و يا عناصر دروني آن است.

ب نگهداري: با هدف رسيدگي مداوم به منظور حفظ وضعيت بافت و يا عناصر آن در شكل طبيعي و اوليه صورت می­گيرد.

ت مراقبت: با هدف نگهداري در مقابل آسيب­هاي ناشي از فرسايش طبيعي و انسان ساخت صورت مي­گيرد.

ث حفاظت: با هدف پيشگيري از تخريب فيزيكي بافت و يا عناصر دروني آن در مقابل خطرات احتمالي و افزايش ايمني و امنيت، دوام و استحكام آن صورت مي­گيرد.

ج وحدت­بخشي: با هدف ايجاد وحدت و يكپارچگي در بافت و يا عناصر دروني آن صورت
مي­گيرد.

**چ احياء: با هدف بازگرداندن به حالت ذاتي و اصيل اوليه و دستيابي مجدد به كليت­هاي خدشه­دار شده و بازتوليد بخش­هاي از ميان رفته (بر مبناي مستندات پيشين و احترام به كيفيت­ها) صورت مي­گيرد.**

ح تعمير: با هدف جبران آسيب­هاي وارد شده صورت مي­گيرد.

- نوسازي: هدف كلي مداخله در نوسازي عبارت است از بازآفريني هستي و معاصرسازي بافت و عناصر آن است كه طيفي از خاستگاه­هاي زير را شامل مي­شود:

الف نو شدن: با هدف نوكردن و رونق بخشيدن به كالبد بافت و عناصر دروني آن صورت مي­گيرد.

ب توان­بخشي: با هدف تقويت و گسترش جنبه­هاي مثبت و از بين بردن جنبه­هاي منفي حيات در بافت و عناصر دروني آن صورت مي­گيرد.

ت تجديد حيات: با هدف باز زنده­سازي بافت و عناصر آن و بازگرداندن زندگي مجدد و تداوم زندگي در شرايط معاصر صورت مي­گيرد.

ث انطباق: با هدف ايجاد تغييرات نسبي و هم­نواخت كردن بافت و عناصر دروني آن با نيازهاي جديد و شرايط نوين صورت مي­گيرد.

ج تبديل و دگرگوني: با هدف ايجاد تغييرات بنيادي بدون از بين بردن ريشه و پيشينه صورت
مي­گيرد.

-بازسازي: هدف كلي مداخله در بازسازي، دگرگوني كامل و ايجاد شرايطي جديد است؛ اين هدف به طور متداول فرايند زير را شامل مي­گردد:

الف تخريب: با هدف از بين بردن آثار پيشين و ايجاد شرايط جديد صورت مي­گيرد.

ب پاك­سازي: با هدف پاك­سازي آوارهاي موجود و مهياكردن زمين براي نظام كالبدي و سازمان فضايي جديد صورت مي­گيرد.

ت دوباره­سازي: با هدف توسعه جديد براساس ارزش­ها و معيارهاي روزآمد و بدون الزام به حفظ پيشينه بافت صورت مي­گيرد

**10- انواع بافت**

استان­ شیراز­باتکیه بر سوابق درخشان فرهنگی وتاریخی، این شهر در عرصه گوناگون علم و هنر معماری خدمات ارزشمندی به پویایی تاریخ و فرهنگ ایران زمین نموده­ است. دو مورد اصلی در معماری شیراز قابل تامل می باشد و عبارتند از:

1. عدم وجود شیوه ها و الگوهای حفظ ونگهداری ارزش های ایرانی و اسلامی ­ دربافت­­ فرسوده با ارزش
2. عدم توجه­به امر بهسازی (حمایت،استحکام بخشی ،حفاظت ،احیاءو...)

 .« معماری هر شهر بنا به شرایط اقلیمی یا آب وهوایی (آب، خاک، رطوبت، حرارت، برودت ) با هم فرق دارند اگرچه امروز معماری مدرن می­کوشد تا گوشه­هایی از معماری سنتی و بافت های قدیمی را تجربه کند، اما برای رسیدن به این تجربه با نوعی آشتی ناپذیری سنت با مدرنیته رو به رو شده است .باتوجه به این که شیراز دارای بافت تاریخی با ارزشی است که در گذر زمان آسیب های جدی دیده است (برزگر،1388).

لذا نظارت اساسی شهرداری، سازمان میراث فرهنگی و شهرداری بافت فرهنگی تاریخی بر این بافت با ارزش ضروری است .«اگر مرمت و احیا این بناهای بی نظیر و دلپذیر که با دست غدار گذر زمان و بی عنایتی انسان، می­روند تا به مخروبه های غم انگیز و ملال آور تبدیل شوند با دل سوزی وعنایت به آن چنان زیبایی دل انگیز و خیره کننده ای جلوه­گر می­شوند که پهلو به پهلوی زیباترین بنادر دنیا می زنند»­.شناخت روش­های مرمت، احیاء و باز زنده­سازی که سعی در بهبود وضعیت کالبدی و حفظ و نگهداری ارزش­های فضاهای شهری دارند استفاده­کرد(حمیدی،1384).

**9- نتیجه گیری**

به طور کلی ،بازشناسی ارزش­های تاریخی در منطقه و احیا آن نیازمنده زنده کردن احساس اجتماعی، ارتباط و آمیزش با دنیای طبیعی و پویا کردن محیط اجتماعی است. هدف عملکردی این تحقیق ارائه یک برنامه فیزیکی عملکردی بهینه طرح، نسبت با قابلیت­ها و محدودیت های منطقه، در جهت گسترش معماری همساز با منطقه به منظور رفع نیازها و کمبودهای موجود می­باشد. به منظور دستیابی به هویتی منسجم در ساختمان ها و محیط زندگی بر پایه ارزش های اسلامی ایرانی بناهاباید با تمهیدات لازم در راستای پاسداری از این ارزش ها طراحی وساخته شوند وزمینه ای برای تناقض با آن ها در ساختمان ها و محیط فراهم نگردد. لذا نظارت اساسی شهرداری، سازمان میراث فرهنگی و شهرداری بافت فرهنگی تاریخی بر این بافت با ارزش ضروری است .«اگر مرمت و احیا این بناهای بی نظیر و دلپذیر که با دست غدار گذر زمان و بی عنایتی انسان، می­روند تا به مخروبه های غم انگیز و ملال آور تبدیل شوند با دل سوزی وعنایت به آن چنان زیبایی دل انگیز و خیره کننده ای جلوه­گر می­شوند که پهلو به پهلوی زیباترین بنادر دنیا می زنند».با این تفاصیل حفظ و نگهداری ارزش ها دارای دو وجه اساسی است. یکم، آینده ای برای گذشته دراین وجه زمان حال می تواند به صورت پلی بین گذشته وآینده عمل نماید. دوم، رهایی آینده از گذشته می­تواند در طرحی از آینده­ای نو موثر واقع شود و سعی در پیوند خلاق بین گذشته، حال و آینده دارد و بر چالش و گفت­وگو میان باور­های گذشته حال و آینده تاکید می کند ، عملی فرهنگی است که ­می­تواند فرهنگ ساز نیز باشد و سعی در انتقال ارزش­های کالبدی یافته در مکان به آینده دارد و این انتقال همراه با اضافه نمودن ­ارزش­های معاصر به ارزش های پایدار کهن است.

**مراجع:**

1. پور احمد، احمد؛ شماعي، علي؛ (1383)، تحليلي بر سياست­ها و برنامه­هاي به­سازي و نوسازي شهري در برنامه­ هاي توسعه کشور، فصلنامه پژوهش­هاي جغرافيايي، شماره 49.
2. پیرنیا, استاد محمد کریم. (1392)،معماری اسلامی ایران . تهران : انتشارات سروش دانش چاپ بیستم
3. پاکزاد،جهانشاه ،(1395)، تاریخ شهر وشهرنشینی در ایران،انتشارات آرامنشهر
4. حبیبی، محسن؛ مقصودی، ملیحه،(1381)، «مرمت شهری»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان 1381، ص 15.
5. حناچي، سيمين؛ (1382)، ضرورت باز زنده­سازي بافت­هاي قديمي شهرهاي ايران، همايش
 به­سازي و نوسازي بافت­هاي فرسوده و ناكارآمد شهر تهران،
6. حمیدی ، جعفر ، (1384)، استان زیبای بوشهر ، انتشارات شروع ، چاپ دوم .
7. ساریخانی،سمانه،(1388)،احیای محله های تاریخی شهرها،نشرنوید شیراز
8. صیادی،ا.و مداحی،م. ( 1386 )معماری پایدار،.چاپ اول، تهران.
9. صیادی، سید احسان، مداحی، سید مهدی - علی محمدپو(1384)، معماری پایدار ،نشر لوتوس
10. ضرغام بروجنی ، حمید ( 1376 ) راهکارهایی برای توسعه جهانگردی در جمهوری اسلامی ایران ، مجموعه مقالات نخستین.
11. کاظمی،م.(1392)،"مدیریت گردشگری"،سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، 1392،چاپ ششم،تهران.
12. گروت،لیندا؛ ونگ، دیوید(1384)، روش های تحقیق در معماری، علیرضا عینی فر، تهران، دانشگاه تهران
13. مشــهدی زاده دهاقــانی، ناصــر(1385)، تحلیلــی ازویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایـران، دانشـگاه علم و صنعت، چاپ ششم.
14. ملکی،سعید (1382)، دوفصلنامۀ علمی- پژوهشی،جغرافیاي اجتماعی شهري
15. CIB,(1999),Agenda21on Sustainabil Construction**,**Rotterdam:CIB Report Publication237.

Current Travel and Tourism Indicators, Madrid,January 1990.

1. Lanfont ,M.F.(1980),”Introduction:Tourism in the Process of Internationalisation” International Social Science Journal,Vol.23,pp.14-43
1. .1 Richard [↑](#footnote-ref-1)
2. .2 Chang & Yu [↑](#footnote-ref-2)